

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم
سال سوّم (۱۳۹۲)، شماره نهم

تفسیر پرتویی از قرآن به مثابه یکی از سرخط‌های اصلاح‌گفتمان دینی و انسجام اسلامی

ابوالفضل خوش‌منش^۱

چکیده

درباره نهضت اسلامی ایران، تا کنون مطالعات متعددی صورت گرفته که یکی از جهات قابل مطالعه در این زمینه نقش داعیان قرآنی از جمله آیت‌الله طالقانی است. او طی نیم قرن، در نقاط مختلف، مدرّس و مفسّر قرآن و شخصیتی نافذ و مؤثر در جریان نهضت اسلامی بوده است. وی در تفسیرنگاری فارسی، رویکردهایی نو داشته که پاره‌ای از آنها هنوز قابل توجه است؛ هرچند شیوه معمول ایشان مورد تعقیب و عمل دیگر تفاسیر فارسی قرار نگرفته است.

طالقانی در عصری دشوار و حسّاس می‌زید؛ عصری که در آن، از شرق و غرب کوشش‌های دامنه‌داری برای از میان بردن هویت معنوی و ملی ملل ضعیف و موسوم به «جهان سوم»، بخصوص ملت‌های خاورمیانه و ایران، در حال اجراست. او در چنین عصری، از بازگشت به قرآن و اصلاح و انسجام دینی براساس آن، سخن می‌گوید. طالقانی توفیق برقراری ارتباط با شمار قابل توجهی از نخبگان را می‌یابد و بر آنها اثر می‌گذارد و هزینه‌های مجاهدت‌های خود را نیز می‌پردازد.

واژگان کلیدی: آیت‌الله طالقانی، پرتوی از قرآن، نوآوری‌های تفسیری، بازگشت به قرآن، وحدت اسلامی.

^۱ استادیار دانشگاه تهران / khoshmanesh@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

سید محمود طالقانی شخصیتی اثرگذار در بیداری و اصلاح اسلامی است که دعوت آن از قریب یکصدوپنجاه سال قبل در ایران و مصر و نقاط دیگر آغاز شد. میزان اثرگذاری او در زمان خود، به حدی است که در تاریخ‌نگاری معاصر، از وی بتهایی، به عنوان یک جریان یاد شده است (نگا. جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۸/ بسته‌نگار، ۱۳۶۰، ص ۴۵). مراد از تفسیر آیت‌الله طالقانی در این مقاله، مجموع نگرش‌های او به آیات قرآن اعم از تفسیر پرتوی/ از قرآن، دروس و خطابه‌های برنامه تلویزیونی «با قرآن در صحنه» و دیگر تک‌نگاری‌هاست. نگارنده مقاله دیگری^۱ را نیز در معرفی تفسیر مرحوم طالقانی نگاشته و طی آن، کوشیده است با برشمردن برخی ویژگی‌ها، مقبولیت نسبی این تفسیر را تبیین کند.

مقاله حاضر بخش‌هایی دیگر از این ویژگی‌ها را می‌کاود و گرایش آن بیشتر به سوی نیازهایی است که آیت‌الله طالقانی در کار دین و دنیای مردم و مسلمانان زمان خود می‌دیده و به امید رفع آنها، قلم زده است. او نسبت به تیره‌روزی‌های ملت مسلمان دغدغه دارد، چنانکه تفسیر خود را اینگونه به پایان می‌برد: «در روزهایی که فتنه و آشوب، سرزمین‌های مسلمانان را فراگرفته و ایام عید قربان و غدیر ۱۳۸۸ و پایان سال شمسی ۱۳۴۷، نوشتن جزء آخر پرتوی از قرآن پایان یافت» (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۴، ص ۳۱۹). طالقانی چنانکه در سراسر تفسیرش نشان می‌دهد، به این حدیث شریف معتقد بود که در زمانی که فتنه‌ها به سان شب‌پاره‌های قیرگون در حال نزول بر سر امت است، باید به قرآن پناه برد: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۵۹۰/ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۸۲۸).

نگارنده در اینجا، قصد معرفی تفسیر قرآن و روش‌شناسی آن را به معنای عام و مصطلح ندارد. همچنین، نمی‌خواهد بگوید که تفسیر پرتو از تفاسیر دیگر لزوماً، برتر است؛ بلکه رویکرد مقاله، بیان برخی نوآوری‌های آیت‌الله طالقانی در تفسیرگویی و تفسیرنگاری فارسی در بیش از نیم قرن قبل است. این رویکرد و نوآوری‌ها بابت تازه در گفتمان قرآنی بودند و سرخط‌های مختلفی را برای اصلاح و انسجام اسلامی در خود داشتند و می‌توانند به صورتی پیراسته و روزآمد، مد نظر تفاسیر بعدی قرار گیرند. ذکر این نکته نیز لازم است که اغلب نقل-قولهای مستقیم این مقاله، همراه با تلخیص است.

^۱ «تفسیر آیت‌الله طالقانی، خطابی فرهیخته و قرآنی»، مطالعات قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق، سال دوم،

۱- طالقانی و زمان او

سید محمود طالقانی شخصیتی مهم و اثرگذار در دورانی مهم از تاریخ ایران است. تولد او در سالهای پایانی قرن شمس‌ی گذشته (پانزدهم اسفند ۱۲۸۹)، دوران کودکی و آغاز نوجوانی او در اوایل قرن حاضر و سالهای انقراض حکومت قاجار است و دوران کمال سنی او با مبارزه و حبس و تبعید و سرانجام غروب عمر او با چند سالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گره می‌خورد.

زمان طالقانی از حیث اوضاع سیاسی، فکری و فرهنگی و اوضاع اقتصادی و صنعتی، زمان حساسی است. او با این اوضاع، آشنایی نسبتاً خوبی دارد و انعکاس این محورها را فی‌الجمله، در نوشته‌های او می‌توان دید (از جمله نگا. طالقانی، بی‌تا «ج»، سراسر کتاب). مروری فشرده بر اوضاع زمان او، حساسیت این دوران را نشان می‌دهد.

۱-۱- مروری بر اوضاع زمان طالقانی

در نیمه نخست قرن بیستم، خاطرات جنگ‌های خونین اروپا و شرق دور هنوز در کام‌ها بود؛ کشور بی‌طرفی به‌سان ایران نیز از فتنه و شرّ آن جنگ‌های خانمان‌سوز برکنار نمانده بود و مردم نجیب آن، تاوان مهیب لشکرکشی‌های اقوام آنگلو ساکسون را به صورت‌های پیدا و پنهان با جان و مال خود می‌پرداختند. تنها بخشی از نفتی که انگلیس تا مرحله جنگ اول اروپا (مسمی به جنگ جهانی اول) از ایران برده بود، ضامن پیروزی این کشور در آن جنگ شد (نک. پیرن، ژاک، ۱۳۵۷، ج ۵، صص ۱۳۹۶ و ۱۴۲۴. نظیر همین سخن را سید قطب، از قول متجاوزان در خصوص مصر دارد. ر. ک. قطب، ۱۳۶۰، ص ۲۸).^۱

در دوره ضعف انگلیس بعد از جنگ جهانی دوم و لزوم بازگشت نیرو و ناوگان آن به انگلستان، دربار ایران گذار از دوره نفوذ انگلیسی به دوره نفوذ آمریکایی را تجربه می‌کرد. جنگ سرد با ابعاد مهیب خود، در اوج خود قرار گرفته بود و سایه خویش را در همه‌جا می‌گسترده. دولت فاتح جنگ جهانی دوم در بالای سر ایران، این کشور و همچنین، جاهای دیگر را رصد می‌کرد و رؤیاهای بزرگ در سر می‌پروراند. موج اندیشه‌های مادی‌گرایی و الحاد

^۱ ایران و مصر در یکصد سال اخیر دارای تأثیر و تأثر گسترده‌ای در قضایای سیاسی و فرهنگی داشته‌اند. تفسیرنگاری مصریان متأثر از سیدجمال ایرانی و مؤثر بر تفسیرنگاری فارسی متأخر و از جمله تفسیر آیت‌الله طالقانی است (نگا. خوش‌منش، ۱۳۸۹، صص ۵۰-۸۶).

از سرزمین فوق که بزرگ‌ترین ماشین تبلیغاتی تاریخ را در کنار زرادخانه عظیم خود به راه انداخته بود همه جا را درمی‌نوردید. «کا. گ. ب» بیش از آن‌که یک سرویس اطلاعاتی باشد، وزارتخانه‌ای خارج از ثرم و هنجار وزارتخانه‌های دنیا و مجهز به سه نیروی کامل نظامی زمینی، هوایی و دریایی برای انواع فعالیت‌های داخلی و خارجی بود. این سازمان «جاسوسی-ایدئولوژیک»، مردم را به سان گله‌ای می‌دانست که باید آن‌ها را به سوی بهشت سوسیالیسم جهانی راند (درباره دامنه عملیات این تشکیلات، نگا. پنکوفسکی، ۱۳۷۲، ص ۴۹/ آلم، ۱۳۷۰، صص ۱۱۱-۱۱۲).

موضوع اقتصاد و سرمایه، سلاح بزرگ و آلت فشار شرق و غرب بود؛ یکی از آن برای توجیحات تئوریک سرکوب و لشگرکشی کمک می‌گرفت و دیگری برای استعمار و استثمار و چپاول. و هر دو نیز تیغه قیچی برای بریدن ریشه‌هایی مشترک بودند.

یک قرن پیش، سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگرد وی، محمد عبده، در ایران و مصر و فرانسه برای بیداری شرق، ندا و صلایی قرآنی برای بازگشت به قرآن و مرجعیت فکری و عقلی آن با تأکید بر جامعیت و کارایی آن در امور دین و دنیا درافکنده بودند. دعوت مزبور، انعکاس خود را در افطار عالم اسلامی یافته بود (نگا. میرزایی، ۲۰۰۸، ص ۱۹/ کسار، ۲۰۰۸، ج ۱، صص ۷-۸ و ۱۲۳-۱۲۴) و ندهایی ملی نیز به آن ضمیمه شده بود. جمال عبدالناصر، در نطقهای خود اعتراف کرد که خیزش ملی مصر دنباله قیام عراقی پاشا است و عراقی پاشا نیز به تصریح احمد امین، از سیدجمال اثر گرفته است (نک. عبدالناصر، ۱۳۴۶، صص ۳ و ۶۷). دهه پنجاه و شصت میلادی از حیث بیداری شرق، حایز اهمیت و مقطعی برای بار و بر دادن آن کوشش‌ها بود. طنین شعارهای آزادی خواهانه و استقلال طلبانه از آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین شنیده می‌شد (ر. ک. اسکندروف و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۹ و الهی، ۱۳۷۲، ص ۷).

اغلب کشورهای استقلال یافته فاقد بستر عقیدتی و روح جمعی مؤثر، ظرفیت‌های بسیج ملی و نخبگان مقبول و روشنفکران متعهد بودند. در عوض، اقتدار و مقبولیت نخبگان و ارتباط پیدا و پنهان گروهی از آنان با استعمارگران و بیگانگان بود که بر سوءظن مردم و ابهام اوضاع می‌افزود. احوال کشورهای مزبور، بستر را برای گشودن عقده‌ها و رنجهای فروخورده دهها سال تحقیر استعماری فراهم می‌ساخت و این همه، البته، برای برافروختن آتش جنگ و خونریزی و آباد کردن کمپانی‌های اسلحه‌سازی نیز دست به دست هم می‌دادند (نمونه‌ها را

نگا. نکرومه، ۱۳۵۰، صص ۱۰۳-۱۱۷ و بی‌تا، صص ۳۵-۴۰ / موسی، ۱۴۲۴، صص ۲۹-۳۲ / اسکندروف و دیگران، ۱۳۷۲، صص ۶۱-۶۲).

جهان اسلام در معرض تهدید فقر و خلأ یک ایدئولوژی مستحکم و تئوریزه‌شده مطابق با مقتضیات زمان قرار داشت. دانستن فلسفه ماتریالیستی و حتی وجود معلوماتی جسته‌گریخته از آن نزد پاره‌ای افراد - از قبیل همانها که طالقانی در پایان عمر، «جوجه‌کمونست» شان خواند - مرادف علم و سواد بود و سخن گفتن از اسلام و به جا آوردن نماز و انجام اعمال و فرایض اسلامی، مرادف «فناتیک» و «امل» بودن به شمار می‌رفت. عنوان کتب حاوی آموزه‌های ماتریالیستی، «فلسفه علمی» و مانند آن نهاد می‌شد؛ نظیر آنچه در متن و عناوین کتبی چون «اصول مقدماتی فلسفه» اثر ژرژ پلیتسر و نیز «آموزش فلسفه علمی» نوشته احسان طبری دیده می‌شود (نک. پلیتسر، ۱۳۵۴، مقدمه و فصل اول / طبری، ۱۳۵۷، صص ۳ و ۷).

باری، طالقانی در این دوره حساس زندگی می‌کند و در چنین بستر سخته‌ای می‌گوید و می‌نویسد. او از آنچه پیرامون وی در ایران و بلکه جهان می‌گذرد آگاه است. برخلاف بسیاری از اقران خود، به رادیوهای داخل و خارج گوش می‌دهد؛ روزنامه می‌خواند؛ به شهرها و کشورهای دیگر رفت‌وآمد می‌کند و با هوش و حواس و با حساسیت بالا، اوضاع را می‌پاید. او از تلخی‌هایی که می‌بیند متأثر می‌شود و گله‌گزاری می‌کند و در عین حال، روزنه‌های امید را نیز نشان می‌دهد. او در بستر چنین اوضاع پیچیده‌ای، از «بازگشت به قرآن» سخن می‌گوید و در این راه، از لوم لائمانی که در همه جا حضور داشتند و هرکدام بنحوی، سد راه او بودند - یعنی در حوزه و دانشگاه و دستگاه‌های پلیسی و امنیتی حکومت پهلوی - نمی‌هراسد. سهم مجموع کوشش‌های او در سنگرهای مختلف در پیشبرد و پیروزی انقلاب اسلامی، امری انکارناپذیر است.

۲- چهره‌ای نمایان در وادی تفسیر اجتماعی

تفسیر اجتماعی اساساً، در پی تبیین رابطه قرآن کریم با سرنوشت فرد و اجتماع است. در این روش، فرورفتن مفرط در مباحث خشک، تکراری و محدودکننده تفاسیر معمولی، جای خود را به استنطاق قرآن کریم در قضایای مربوط به فرد و جامعه، سیاست، اقتصاد و سرنوشت انسان در این دنیای بزرگ و پیچیده می‌دهد و در عین حال نیز در حد لزوم، به الفاظ و عبارات و مباحث صرفی و نحوی پرداخته می‌شود. در این روش تفسیری، به قرآن کریم با خاطری

زلال و فارغ از تأثرات مذهبی و بدون قصد تحمیل گرایش‌های مذهبی بر آیات قرآنی نگریسته می‌شود. در این روش به روایات اسرائیلی نیز با نظری نقادانه، نگریسته می‌شود و روایات تفسیری ضعیف و انبوه اصطلاحات فلسفی و کلامی - جز در حد ضرورت - کمیت اندیشه را لنگ نمی‌کنند. صلاهی دعوت اینگونه نگرش و نگارش، از یک ایرانی یعنی سید جمال‌الدین اسدآبادی در دیار مصر، درافکنده شد و در دهه‌های بعد ادامه یافت (نگا. معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۵۲).

یکی از کسانی که در میان مفسران فارسی‌نویس، هم‌آوایی خوبی با این دعوت از خود نشان داده، سید محمود طالقانی است که وی را می‌توان اهداکننده تفسیر اجتماعی به ملت ایران دانست. قبل از او، آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس طرحی را برای نگارش تفسیری جامع به سبک جدید درانداخته بود. او علاوه بر گردآوری متون تفسیری خطی و چاپی متعدد از ایران و مصر، دانش‌مندانی را برای همکاری در این باب دعوت کرد که ظلم و عدوان رضاخان مانع تحقق این آرمان او نظیر بسیاری از آرمان‌های دیگر وی گردید (نوری، ۱۳۶۱، ص ۲۸). تفسیر او همچنین، مقبول طبع صاحب‌نظران واقع شده و در خصوص آن، اظهار نظر کرده‌اند؛ از جمله، یکی از یاران و همراهان امام خمینی، در نجف می‌گوید: «امام خواندن کتاب (تفسیر پرتوی از قرآن) آیت‌الله طالقانی را به اینجانب توصیه کرد و گفت: من بنای تقریظ نوشتن بر چیزی ندارم؛ ولی اگر چنین قصدی می‌داشتم، بر این کتاب تقریظ می‌نوشتم. شما این کتاب را حتماً، بده مصطفی بخواند؛ چون دارد تفسیر می‌نویسد و این کتاب کمکش می‌کند» (دعایی، ۱۳۸۶، صص ۱۵ و ۲۳). شهید بهشتی نیز در مصاحبه‌ای که در اولین سالگرد رحلت آیت‌الله طالقانی با روزنامه جمهوری اسلامی انجام داده، تفسیر پرتو را سرشار از سرخط‌ها می‌شمارد و درک زنده از آیات را از ویژگی‌های آیت‌الله طالقانی می‌خواند (بهشتی، ۱۳۵۹، ص ۸). از باب نمونه‌ای دیگر از اثرگذاری نگاه قرآنی و سبک تفسیری طالقانی، باید به این سخن آیت‌الله مهدوی کنی اشاره کرد: «هنگامی که در قم بودیم و تحصیل می‌کردیم، نوشته‌های آیت‌الله طالقانی - چه تفسیری و چه نوشته‌های دیگر که ایشان در اصول عقاید، مسائل اجتماعی، سیاسی و رد مارکسیسم - مورد مطالعه و علاقه ما بود. تفسیر ایشان و سبک ورودشان به بحث‌های تفسیری نیز بسیار برای ما تازگی داشت (مهدوی کنی، ۱۳۵۹، ص ۹).

۳- تعامل آیت‌الله طالقانی با قرآن

۳-۱- نگاه به چینش و چهره پیوسته قرآن

بخشی از سرخط‌های اصلاح و انسجامی که از آن سخن می‌رود، در نگاه طالقانی به خود قرآن نهفته است. او در درجه نخست، قرآن را منسجم و مستحکم می‌بیند و قائل به جمع توقیفی قرآن کریم و تأیید ترتیب فعلی از سوی خداوند و پیامبر و اهل بیت است (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۹).

موضوع پیوند میان آیات قرآن، از قرن‌ها قبل در میان نویسندگان و پژوهشگران، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، محل بحث و گفتگو بوده است. این موضوع موافقان و مخالفان خود را داشته و درباره ارتباط بین آیات و سوره‌ها و نیز چهره پیوسته قرآن، آثاری نیز نگاشته شده است. وجوه ارتباط بیان شده در این تفاسیر، گاهی متین و متقن و گاهی گرفتار تکلف است؛ اما رویکرد غالب در بیشتر تفاسیر نگاشته شده، عدم ارتباط یا دست‌کم مهمل ماندن وجه ارتباط اغلب آیه‌ها و سوره‌هاست.

در میان اخبار نقل شده از سوی مسلمانان نیز اخبار ضعیف و مجعول و متناقضی وجود دارند با این مضمون که نظارت پیامبر اکرم (ص) بر موضوع ترتیب آیات و سوره، ضعیف یا منتفی بوده است (ر. ک. پی‌نوشت ش ۱). این اخبار بیش از همه اخبار دیگر، مورد توجه مستشرقان قرار گرفته و آنان در این زمینه، تحرک و مانور زیادی نشان داده‌اند؛ تا آنجا که می‌توان گفت این موضوع تبدیل به معرکه‌ای در مطالعات غربیان در زمینه قرآن در دهه‌های اخیر گردیده (ر. ک. پی‌نوشت ش ۲) که اشاره‌ای کوتاه به برخی از ادعاهای آنان در اینجا مناسب است.

بارتلمی (Barthelemy) می‌گوید که محمد (ص) به چند دلیل نتوانست قرآن را درست نظم و ترتیب بدهد. از همین روست که خود او به دو جدول مربوط به ترتیب سوره قرآنی اشاره می‌کند که توسط دو مستشرق دیگر، طراحی و در نیمه قرن نوزدهم میلادی منتشر شده‌اند، یعنی: گوستاو ویل در کتاب «محمد پیامبر» (Gustave Weil, 1966, p. 364) و ویلیام مویر در کتاب «حیات محمد» (Muir, 1980, tome 2, p. 518; tome 3, p. 311).

مویر در آغاز کتاب خود، تصریح کرد که من اخبار مربوط به جمع‌آوری قرآن را به کناری می‌نهم (Muir, 1980, tome 3, pp. 186-187). نظریه‌ای قریب به همین موضع را آرماند

آبل (Abel, 1951, p. 66) و آلفرد لویی دوپره‌مار (De Prémare, 1962, pp. 69-70) نیز در آثار خود اتخاذ کرده‌اند.

از میان دیگر کسانی که در این باب قلم زده‌اند، رژیس بلاشر^۱ است که زمان ترتیب و تدوین قرآن کریم را به عصر خلفا می‌رساند (Blachère, 1966 (A), pp. 1-2). مشابه آرای بلاشر را در آثار امثال نولدکه و گلدتسیهر نیز می‌توان یافت (نگا. غزالی مصری، ۱۳۶۳، صص ۲۷، ۳۳، ۸۴، ۸۵ / بلاشر، ۱۳۷۰، صص ۳۱ و ۳۴). بلاشر می‌گوید: «... بررسی قرآن نیز ما را به جایی در این باب نمی‌رساند و اگر ما منبعی غیر از قرآن در اختیار نداشته باشیم، باید از به دست آوردن و شناسایی شرایطی که قرآن کریم در آن تدوین شده است، قطع امید کنیم» (Blachère, 1966 (A), P. 1-2).

حال، اگر اشکال فوق را وارد بگیریم، بر فرض که سخن بارتلمی و دیگر افراد نامبرده در بالا درست باشد، یک نتیجه درست از آن به دست خواهد آمد و آن این‌که در خصوص جمع قرآن، باید به سراغ خود قرآن برویم و آن را از این منظر، نظاره کنیم (ر. ک. پی‌نوشت ش ۳). این کاری است که آیت‌الله طالقانی در تفسیر «پرتوی از قرآن» انجام داده است. وی برای پرداختن به این موضوع، منتظر روایات سلبی و ایجابی در این باب نمانده است؛ بلکه گرایش او به متن قرآن است. سخنانی که او در سراسر تفسیر خود از آیات و سوره‌های قرآنی و ارتباط و نیز گفتگوی حاکم بر آنها می‌آورد نشان از آن دارد که او قرآن را مجموعه‌ای از آیات و سوره‌ها نمی‌داند که باری به هر جهت، با هر سلیقه و اصطلاحاً، هرگونه «اجتهاد»ی، جمع و تدوین شده باشد. او نسبتاً، بخوبی از عهده این کار که محتاج انس و ممارست مستمر با قرآن است، برمی‌آید.

طالقانی در خصوص اسرار ترقی و انحطاط بنی‌اسرائیل و داستان هبوط آنان، به وجود نظم و پیوستگی میان آن آیات و آیات قبل تصریح می‌کند و تحت عنوان «نظم و پیوستگی»، چنین می‌نویسد:

«نظم و پیوستگی این آیات با آیات سابق»

«آیات سابق درباره هدایت و ایمان و کفر، حقایق ثابت و جامعی از اختلاف معنوی و اخلاقی و سازمان درونی سه گروه را بیان نمود. همین اختلاف است که منشأ اختلافات دیگر

۱. این مترجم، در ترجمه سوره نجم، آیات مجعول «غرائق» را نیز آورده است (Blachère, 1966 (B), p. 561).

شده و جنگها و محرومیت‌هایی را به عناوین و نامهایی، به بار آورده است» (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، صص ۸۵ و ۱۳۷).

وی داستان هبوط بنی اسرائیل را در امتداد همان هبوط نخستین نوع بشر از بهشت اولیه می‌شمارد و می‌نویسد: «این هبوط اجتماعی - در مثال داستان یهود - ... به سبب توجه به تنوع در غذا و به سوی هبوطگاه ذلت و مسکنت اجتماع منحط و سرپیچ از دستورات خدا و گرفتار خشم خداست. پس از هبوط آدم و ذریه‌اش، پروردگار حکیم نوید داد که هادیانی برای دستگیری و روشن کردن راه صعود خواهد فرستاد. کسانی که از آنها پیروی کنند از خوف و حزن سقوط نجات می‌یابند: ﴿فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (البقره: ۳۸ / ۲). یادآوری‌های داستان‌های یهود پس از قصه آدم تحقق این نوید است: بنی اسرائیل با پیروی از هدایت موسی از هبوطگاه خوف و حزن مصر، صعود نمودند و به بهشت امنیت و آزادی و فطرت بازگشتند، تا آنکه جاذبه شهوات دوباره آنها را پایین کشاند و از هدایت، سرپیچی کردند و دچار هبوط در شهر و اجتماع شرخیز گشتند» (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۷۶).

طالقانی تحلیل‌های قابل توجهی نیز ذیل آیات مربوط به شکست احد در سوره آل عمران (آیات ۱۳۰ تا ۱۳۶) در خصوص سیر آیات و ارتباط آنها می‌آورد و امتداد و انسجام ترتیب آیات را مورد توجه قرار می‌دهد. اگر سوره بقره به عنوان بزرگترین سوره قرآن و یا یکی از چند سوره بزرگ دیگر را در تفسیر «پرتوی از قرآن»، مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که طالقانی مطالب این سوره‌های بزرگ را منسجم و به هم پیوسته می‌داند و به این ارتباطات اشاره می‌کند (ن. ک. طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۸۵ به بعد).

۳-۲- انتباه به «جریان» قرآن

طالقانی از دینامیسم و پویایی درونی قرآن غافل نیست و قرآن را همواره بالاتر از ظروف زمان و مکان می‌بیند. وی ذیل ترکیب ﴿مَرْفُوعَةٌ مُطَهَّرَةٌ﴾ (عبس: ۱۴ / ۸۰) می‌نویسد: «این آیات و اوصاف، بیان واقعی است که در آغاز طلوع قرآن از آن خبر داده و تا کنون که چهارده قرن از آن خبر می‌گذرد، صدق و حقیقت آن آشکارتر شده. هزاران کتاب ادبی در نحو و صرف و بلاغت تدوین شده؛ باز، قرآن در آسمان بلندی از بلاغت می‌درخشد و هرچه نظرهای علمی در کشف اسرار و شواهد مبدأ و معاد وسعت یافته و هرچه بینشها و نظرها درباره آغاز و چگونگی آفرینش و اصول علمی آن بازتر می‌شود، و هرچه کاوشهای روانی و

نفسانی عمیق‌تر گردیده و هرچه اصول روابط حقوقی و قانون و نظام اجتماعی با تجربه‌های ممتد روشن‌تر شده، باز بال و پر این وحی آسمانی بازتر و گسترده‌تر می‌شود» (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۳۹).

در خلال مباحث پرتوی از قرآن، یک سلسله قابل اعتنا از مباحثی وجود دارد که از آنها به «علوم قرآنی» تعبیر می‌شود - علمی که بیشترین ارتباط را با موضوع شناخت قرآن و راه بهره‌گیری از معارف آن دارند - مباحثی نظیر نزول قرآن، نحوه ثبت و تدوین آیات، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ که در مقدمه این تفسیر و ذیل آیات مختلف، به تناسب، آمده است؛ نظیر سخن او ذیل آیه ۷ سوره آل عمران در باب موضوع «محکم و متشابه» در قرآن که در برگیرنده نوآوری قابل توجهی در زمینه علوم قرآن و تعامل با کلام الله مجید است (هم‌او، همان، ج ۵، ص ۱۷-۲۲).

از برخورد طالقانی با برخی آیاتی که زمینه بحث در ناسخ و منسوخ‌اند و از دیگر اشارات قلمی او، چنین برمی‌آید که اعتقادی به ناسخ و منسوخ به معنای مصطلح، نداشته باشد. وی به چنین چیزی روی خوش نشان نمی‌دهد و اصل را عدم نسخ می‌داند و موضوع نسخ را با شأن قرآن کریم ناسازگار می‌داند (هم‌او، همان، ج ۱، ص ۲۶۳ و ج ۴، صص ۳۶-۳۷).

۳-۳- نگرش جامع و نامحدود

یکی از آفات تفاسیر و جفاهای آنها بر قرآن، حصر و محدودیتی است که در آنها بر آیات قرآن تحمیل شده و بلندای سخن و آفاق بلند قرآن را در پاره‌ای رویدادهای نزول، داستان‌های تاریخی، وقایع صدر اسلام، شخص رسول اکرم (ص) به عنوان مخاطب آیات، محدود و محصور ساخته‌اند. طالقانی در تفسیر خود، می‌کوشد الفاظ و معارف قرآنی را تا حد امکان، در قید و بندی محصور نسازد و گستره شمولی آنها را تا بالاترین درجه، بلکه تا بی‌نهایتی که شایسته خدا و قرآن مجید است برساند. او در مواردی نیز که لفظی محتمل و متحمل چند معناست، می‌کوشد وجهی فراگیر را اختیار کند یا به انتخاب کاملتر و شاملتر بگراید.

طالقانی با اشاره به آیه ۹ سوره اسراء، سخنی را در باب محدود و محصور نبودن موضوع «تفسیر قرآن» می‌نویسد: «قرآن کتابی است که آیات آن مانند امواج نور و نسیم هوا در قرون متوالی و در میان ملل مختلف و در فواصل شب و روز، تلاوت می‌شود. برای همین است که عموم را از محدودیت محیط و زمان، برهاند و چشم‌ها را باز کند و جهاز تنفس معنوی را در

معروض نسیم پاک قرار دهد. راسخین در علم و متخصصین در آن، مشاراً الیه اشارات دور و نزدیک را می‌نمایانند و رموز آن را می‌گشایند و متشابهات را تأویل و فروع را از اصول محکم استنباط می‌کنند. نهی از تفسیر به رأی گویا ناظر به اینگونه آیات است. اگر تفسیر معانی همه آیات و اشارات و لطایف قرآن را مردم محدود به زمان و عصری دریابند و از رموز نهایی آن پرده بردارند و تفسیر کنند، نباید قرآن کتاب ابدی و برای همه قرون و همه مردم باشد» (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۱۵).

وی طی بحث در خصوص «شجره» ای که آدم و حوا از خوردن آن منع شدند، با توجه به انواع حرف‌ها و اظهار نظرهایی که در تفاسیر در تعیین نوع میوه و درخت آمده، می‌نویسد:

«اکنون به سراغ این شجره می‌رویم: در روایات به سنبله گندم، شجره انگور، انجیر، حسد معرفی شده... با این نام‌ها و اوصاف و آثار، باید شجره ممتازی باشد که از زمین روییده، ولی در برابر چشم آدم، خود را می‌نموده. هم از اشجار روی زمین بوده، هم از محیط نفسانی روییده؛ مانند رشته‌ها و شاخه‌های آمال و شهوات طفلی که دوره طفولیت و فطرت را طی کرده و در آغاز تحوّل بلوغ و جوانی، قرار گرفته. نماهای زندگانی نوین با شاخه‌های شجره آرزوها و هواها چنان با هم می‌آمیزد و در خلال یکدیگر سر می‌کشد که دنیا همان آمال نفسانی او و آمال نفسانی همان دنیای اوست. مولود فطرت که بیشتر در کشتزارها و باغستان‌ها، به سر می‌برد آمال و آرزوها و وسیله تأمین بقای خود را در اوان بلوغ، در آویزه سنبله‌های گندم و شاخه پر بهر انگور و انجیر و هرچه بیشتر توسعه دامنه کشتزار و باغستان می‌نگرد. در محیط اجتماع حسدها و رقابت‌ها برای رسیدن به آرزوها و مقام و قدرت، مانند درختی که شاخه‌هایش در میان هم دویده جلوی چشم عقل آینده‌بین و صلاح اندیش را می‌پوشانند...» (هم‌او، ج ۱، صص ۱۲۹-۱۳۱).

۳-۴- نقدهای طالقانی بر «مقدمات تفسیر» و موانع و حجاب‌های آن در نظر او

به گفته طالقانی، تفسیر قرآن در گذر زمان، یکی مرهون گذر زمان و دیگری مرهون پاک شدن دل‌هاست. او این امر را چندان مرهون کوشش یک مفسر نمی‌داند (هم‌او، ج ۴، ص ۲۰). وی در جایی، به علمی اشاره می‌کند که توجه به آنها و زادن آنها مرهون آمدن کلام‌الله مجید بود، اما بتدریج، بر قرآن کریم تقدّم یافتند و دانستن آنها مقدمه فهم قرآن کریم قلمداد گردید و برای آنها از قرآن نیز دلیل آورده شد. در نهایت نیز به جای آن که این علوم، شرح صدری برای

دریافت پیام وحی به همراه بیاورند، خود مانع و رادعی در این باب شدند: «این علوم و معارف مانند فانوس‌های کم‌نور و لرزان در بیابان تاریک طوفانی است که اگر اندکی پیرامون نزدیک را روشن دارد از پرتو پدیده اختراعات فروزان، محجوب می‌دارد. آن حرکت عقلی و معنوی و اصلاح خلقی و اجتماعی که پدید آمد بسبب هدایت صریح و بی‌آلایش قرآن بود. آیاتی که از زبان رسول خدا (ص) و مسلمانان مؤمن، بی‌حجاب اصطلاحات و معلومات، بر نفوس آماده می‌تابید اگر در همان زمان با بحثهای ادبی و کلامی و جدل آمیخته می‌شد، به یقین چنین اثری نداشت» (هم‌او، ج ۱، ص ۱۳).

طالقانی سپس تحولات پدید آمده پس از عصر رسول اکرم (ص) را مورد اشاره قرار می‌دهد و درباره شیوه جدید پدیدآمده در تعامل با قرآن و «تفسیر» آن، سخن می‌گوید. وی آنگاه، به نقش و جایگاه قرآن در برهه‌های اخیر اشاره می‌کند و می‌افزاید:

«این کتاب هدایت که چون نیم قرن اول اسلام، باید بر همه شئون نفسانی و اخلاقی و قضاوت و حکومت، حاکم باشد یکسره، از زندگی برکنار شده و در هیچ شأنی، دخالت ندارد. دنیای اسلام که با رهبری این کتاب، روزی پیشرو و رهبر بود امروز دنباله‌رو شده. کتابی که سند دین و حاکم بر همه امور بوده مانند آثار عتیقه و کتاب ورد، تنها جنبه تقدیس و تبرک یافته و در سرحد عالم اموات و تشریفات آموزش قرار گرفته است. دنیای خودباخته اختراع و صنعت و دنیای ورشکست شده مسلمانان بصراحت و زبان حال هر دو، می‌گویند با پیشرفت دانش‌ها و اختراعات حیرت‌انگیز و سیاره‌های کیهان‌خیز، چه نیازی به آیین الهی و قرآن است؟» (هم‌او، همانجا).

طالقانی ذیل آیه ۷ سوره «ضحی» نیز به مناسبت و با ظرافت، به نقد هنرنمایی‌ها و «تخیلات» برخی مفسران می‌پردازد و با توجه به موضوع آیه که تقابل هدایت و گمراهی است، می‌نویسد: «بسیاری از مفسرین کوشیده‌اند تا هرچه می‌توانند معنا و احتمال از این آیه بیرون آرند و گویا بیش از تفسیر، خواسته‌اند وسعت ذهن و قدرت تخیل خود را بنمایانند؛ تا آنجا که فخر رازی بیست توجیه و احتمال برای این آیه آورده که بیشتر آنها بیش از آنکه با ظاهر آیه و کلمات آن تناسب ندارد، خود گمراه کننده است» (هم‌او، ج ۴، ص ۱۴۴).

آیت‌الله طالقانی در خلال سخن خود در «پرتوی از قرآن»، به صورتی ظریف، نقدهایی را متوجه شگردهای موجود در تفاسیر دیگر می‌سازد. یکی از این شگردها تقسیم اوامر قرآنی به انواعی برساخته است که طالقانی ذیل آیه ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿۱۳۷﴾ (آل عمران: ۳/۱۳۷)، اینگونه آن را مد نظر و اشاره خود قرار می‌دهد:

این امر فسیروا، فانظروا، هرچه باشد (اصطلاح مولوی، ارشادی، وجوبی، استحبابی) چون دیگر اوامر قرآن است که مخاطبین آن - مسلمانان - آن را نادیده گرفتند و در پوست خیالات و غرورها ماندند و دیگران با پی‌گیری و جدیت و کنجکاوی، عمل کردند و پیش رفتند. آیا این امر - فانظروا - مانند دیگر اوامر و نواهی قرآن و سنت، تکلیف‌آور نیست و نمی‌بایست گروه‌هایی از مسلمانان برای تدوین و راهنمایی مسلمانان تحقیق و در اطراف زمین و میان علل سیر کنند و مانند دیگر علوم شرعی، اصول و قواعد و فروع آن را تبیین گردانند؟ (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۳۴۵).

چنان‌که اشاره شد، شاهد سخن در کلام بالا، تقسیم‌بندی اوامر قرآنی به اقسامی خلاف ظاهر قرآن و سخن جاری آن است که در سخن بسیاری از مفسران دیده می‌شود و طالقانی، تلویحاً، ناخشنودی خود را از این «اصطلاح» نشان می‌دهد.

۴- تفسیر پرتوی از قرآن، طرح و شیوه

تفسیر «پرتوی از قرآن» ویژگی‌های قابل توجهی دارد که آن را از دیگر تفاسیر فارسی موجود متمایز ساخته است. این ویژگی‌ها سبب جذب نخبگان پرشماری به تفسیر شفاهی و کتبی آیت‌الله طالقانی در سال‌های نهضت و مبارزه گردید. این تفسیر دارای ویژگی‌هایی شکلی و محتوایی خاصی است که توسط شرکت سهامی انتشار با کیفیتی مطلوب به چاپ رسیده است. فعالیت طالقانی تنها به نگارش محدود نبود؛ بلکه خود در چاپ و نشر کتب و نشریات هم فعالیت داشت. خود وی از مؤسسان «شرکت سهامی انتشار» بود که هیأت مؤسس آن عبارت بودند از: مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، آیت‌الله طالقانی، دکتر کاظم یزدی و آقاجسن محبوب که فرد اخیر اندکی بعد، به این جمع دعوت شد. وی پیش از آن هم در کار نشر بود و در این زمینه تجربه داشت (جعفریان، ۱۳۸۵، صص ۲۹۸-۳۱۳).

از ویژگی‌های شکلی - محتوایی تفسیر پرتوی از قرآن، گزینش نامی متواضعانه برای آن است. در طول تاریخ تفسیر، تفاسیری با نام‌هایی گراف و پرطمطراق کم نبوده‌اند؛ تفاسیری که مدعی بوده‌اند کلیدهای غیب و نهانی را در اختیار می‌گذارند یا پرده از حقایق و غوامض تنزیل و تأویل برمی‌گیرند یا روح معنا و عصاره فحو را در کف خواننده می‌نهند و ارزانی او

می‌دارند. اما وی نام «پرتوی از قرآن» را به این تفسیر می‌دهد و در مقدمه آن بیان می‌کند که آنچه در پیرامون آیات نگارش می‌یابد عنوان تفسیر (پرده برداری) ندارد و به حساب مقصود نهایی قرآن نیست، از این رو، عنوان «پرتوی از قرآن» برای آن مناسب‌تر یافته است، زیرا آنچه به عنوان «تفسیر قرآن» نوشته شده یا می‌شود محدود به فکر و معلومات مفسرین است و اعماق حقایق آن نمی‌تواند در ظرف ذهن مردم یک زمان درآید، اگر چنین باشد تمام می‌شود و بهره‌ای برای آیندگان نمی‌ماند (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۰).

از دیگر ویژگی‌های این تفسیر ناتمام، تخصیص بخش مستقلی از آن به جزء سی‌ام قرآن کریم است. هدف طالقانی این بود که «قرآن در صحنه» باشد. او عقیده داشت همین آیات بودند که جامعه اسلامی را ساختند و عقل «بشر نخستین اسلامی» را شکل بخشیدند، حال می‌بایست به همین آیات پرداخت و سنگ‌های اولیه بنا و شاکله روح بشر را با همین مصالح بهشتی چید. طالقانی منتظر نماند تا به دأب معمول مفسران، به ترتیب اجزای قرآن، به جزء سی‌ام برسد؛ اگر او چنین می‌کرد، عمر وی کفاف این کار و انتظار را نمی‌داد و آن مقصود نیز محقق نمی‌گشت. در ادامه به ذکر برخی ویژگی‌های محتوایی این تفسیر می‌پردازیم:

۴-۱- سرزندگی تفسیر پرتوی از قرآن

قرآن کریم، چشمه جوشان حیات است و سخن آن را کسانی می‌شنوند که خود «زنده» باشند و حیات داشته باشند: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (یس: ۳۶/ ۶۹-۷۰). این حیات، خود از قرآن به دست می‌آید و منشأ جز همین کتاب ندارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ (انفال ۲۴). با این حال، کم نیستند ترجمه‌ها و تفسیرهایی که در آنها براستی خبری از سرزندگی قرآن کریم نیست. «پرتوی از قرآن» تفسیری «زنده» است که هنگام مطالعه آن، می‌توان ارتباط مطالبش را با واقعیت‌های زندگی و صحنه اجتماع دریافت. هرچند نگارش این تفسیر در زندان انجام گرفته، اما محدودیت‌های زندان به مؤلف مجال انتباه بیشتر به قرآن را بخشیده است (طالقانی، بی تا «الف»، ص ۱۱).

البته، هسته اصلی اندیشه طالقانی و برداشت‌های قرآنی او، از همان دروس تفسیر قرآن در «قنات آباد» و «مسجد هدایت» تهران است (نگا. طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۱). این تفسیر در متن و بطن جامعه، آن هم جامعه جوان مشتاق و رودررو با آنان شکل گرفته و براساس فروض

مجّرد و تصوّراتی انتزاعی، در کنج خانه یا کتابخانه پدید نیامده است (ر. ک. پی‌نوشت ش ۴). سرزندگی تفسیر پرتو، برآمده از همان عقیده آیت‌الله طالقانی به دینامیسم و جریان قرآن است که وصفی از آن ارائه شد. موضوع «سرزندگی» به موضوع‌های آتی این مبحث نیز ارتباط پیدا می‌کند.

۴-۲- انتباه به موضوع طبیعت و فطرت انسان

در قرآن کریم، مفاهیم متعدّدی مانند نور، حیات، آب، وحی و قرآن به هم مرتبط و درهم‌تنیده‌اند که خود با طبیعت و فطرت مرتبط‌اند. طالقانی نیز با این مفاهیم عهد و پیوند دارد و آنها را بدون تکلف، به کار می‌گیرد. از همینجا، می‌توان دل‌بستگی طالقانی را به فطرت و طبیعت دریافت. او در روستای خوش‌آب‌وهوای طالقان زاده و در آن بالیده بود. با طبیعت انس داشت و با کشاورزی و کار بر روی زمین و باغ آشنا بود. بسیار مناسب است که در اینجا بنگریم که او ذیل آیه ۶۱ از سوره بقره در باره «طبیعت» چه می‌گوید و ارتباط «طبیعت» و «فطرت» را چگونه می‌یابد: «... آیه از زبان بنی‌اسرائیل می‌گوید: "از پروردگار خود بخواه که برای ما از محصولات زمین بیرون آرد!". این تعبیر، سستی و انگلی بودن آنها را می‌رساند که یا بر مردم، یا بر موسی و خدای موسی باید انگل باشند تا برای آنها بی‌رنج، از محصولات زمین هرچه خواهند برویاند. این سبزیجات و حبوبات ﴿مِنْ بَقْلِهَا وَ قِنَائِهَا...﴾ (البقره: ۶۱ / ۲) که رویاندنش را از پیامبر و خدا طلبیدند نمونه‌هایی از محصولات زمین و درخواست تنوّع و تفنّن در غذا بوده؛ چه بنی‌اسرائیل در اوان بیابان‌گردی و پس از آن‌که برای مدتی، در سرزمین و قریه‌ای منزل گزیدند، از غذاهای ساده و طبیعی صحرا و محصولات گاو و گوسفند (که به گفته تاریخ، همراه داشتند) بهره‌مند بودند، ولی این غذاها ساده و یکجور بود. اینگونه غذاهای حیوانی چون با انواع محصولات زمین ترکیب شود، خورشهای رنگارنگ تهیه می‌گردد و تفنّن و تنوّع شروع می‌شود. توسعه در تنوّع آن‌هم بی‌رنج و عمل، تنها در زندگی خوش‌نشینی شهر فراهم می‌گردد. این درخواست فصل‌نویسی در زندگی بنی‌اسرائیل باز می‌کند که پس از انتقال از زندگی بیابان‌گردی و سکونت در قریه، به شهرنشینی می‌گرایند» (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، صص ۱۷۳-۱۷۴). وی در ادامه سخن، این ذیل را بر مطلب فوق می‌زند: «خویهای بد و مسری و بیماری‌هایی که از تفنّن و شکم‌خوارگی در شهرها شایع است در حریم بیابان راه ندارد؛ ولی شهرنشینی‌هایی که برای تفنّن و پرخوری و تبلی گرد هم جمع می‌شوند و نام چنین اجتماعی

را تمدن می‌گذارند، جسم و روحشان ناتوان و مغزهایشان از ادراکات فطری، تهی می‌شود و اندیشه‌های شیطانی درون آن را تاریک می‌سازد و از توجه و درک هدف عالی زندگی و تشخیص خیر و صلاح باز می‌مانند و اراده‌ها در برابر قوانین و قهر حکومت‌ها که لازمه چنین زندگی است، سست می‌گردد. محیطی که از چنین مردمی پدید آید جز ناتوانی و بیچارگی و زبونی نژاد و درهای سعادت و خیر به رویشان بسته و درهای شر و فساد بازگردد» (همان، صص ۱۷۴-۱۷۵). طالقانی ذیل آیات ۳۳- ۴۵ از سوره آل عمران که مربوط به زایش و رویش حضرت مریم و حضرت عیسی است و نیز آیات پایانی سوره غاشیه که با صحنه‌ها و پدیده‌های متعدّد طبیعی مرتبطاند، به موضوع مورد اشاره توجه دارد و حتی به مناسبت، مباحثی را درباره زایش و تکثیر گیاهان می‌آورد. وی ذیل آیات سوره آل عمران، آیات ۳۳ به بعد، در خصوص حضرت مریم و ولادت او وارد بحث‌های زراعت و پیوند گیاهان می‌شود. آنچه طالقانی گفته است، هرچند خالی از ملاحظه و تأمل نیست، اما در آن، التفات او به جانب کشاورزی و طبیعت، درخور توجه است (ر. ک. طالقانی، همان، ج ۴، ص ۳۵ و ج ۵، صص ۱۱۳-۱۱۴).

از این نمونه‌ها و قرینه‌ها در تفسیر طالقانی فراوان است که نشان می‌دهد که او آگاهی‌های خود را در باره طبیعت صرفاً، از مطالعه کتاب به دست نیاورده، بلکه در دل طبیعت بالیده و خود دلدادۀ آن است. طالقانی دلدادگی خاصی به مقوله‌های «فکر»، «فطرت»، و «آزادی عقل و روح» دارد و در مقابل نیز همواره موضعی شاخص برابر «اوهام»، «خرافات»، «تیرگی‌ها» و... اتخاذ می‌کند. تقریباً، هیچ صفحه‌ای از صفحات این تفسیر نیست که از یکی از مضامین فوق، خالی باشد. او هنگام رسیدن به آیاتی که ارتباط مستقیم با مفاهیمی چون «امت»، «قوم»، «قیام» و «قسط» دارند نیز توجه و تنبّه خاصی از خود نشان می‌دهد و بسامد مجموع واژگان بالا در این تفسیر ناتمام، قابل توجه است.

نگارنده به احصای اجمالی واژگانی همچون روح، عقل، فکر، فطرت، اندیشه، آزادی، مشعل، پرتو، نفوس، حقوق، قانون، محیط، کمال، طبیعت، استعداد، تحوّل و یا واژگان هم‌ریشه با آنها در هفت صفحه از مقدمه تفسیر پرداخت. شمار این واژگان در هفت صفحه نخست قریب یکصد و چهل مورد بود. اگر واژگان مقابل این مفاهیم که مفید مفهوم مخالف و تثبیت‌کننده آن مفاهیم مثبت‌اند نیز شمارش شوند، آمار مزبور بسی بالاتر نیز خواهد رفت (در این زمینه‌ها همچنین نگا. طالقانی، بی‌تا «ج»، صص ۱۹، ۲۶-۳۲). از همین مبادی قرآنی و

انسانی و فطری است که اندیشه طالقانی به سوی وادی فلسفه سیاسی گشوده می‌شود و و دیدگاه‌های وی در این زمینه‌ها، رقم می‌خورد (نمونه‌ها را ر. ک. شیرخانی، ۱۳۸۱، صص ۲۲۵-۲۴۳/ طالقانی، بی تا «د»، صص ۴۱-۴۸/ جانزاده، ۱۳۵۸، ص ۹۴).

۴-۳- عدم تعهد برابر مشهورات و مکررات

طالقانی تعهدی به تسلیم در برابر مشهورات و مکررات که خود یکی از آفات تفسیرنگاری طی قرون متمادی است ندارد و تنها، در جایی که لازم باشد، به نقل باورهای منقول و مکرر می‌پردازد. به عنوان مثال، وی در نقد باور رواج تجارت در زندگی اعراب و مکیان می‌نویسد: «اولاً، در عربستان، کار تجارت محدود به اهل مکه - آن هم چند تن سرمایه‌دار قریش- بوده که از طریق یک یا دو راه طولانی و ناهموار بین شام و یمن رفت و آمد داشتند و برای حفظ و رساندن مال التجاره، افراد مسلح همراه داشتند و به قبایل، باج می‌دادند. ثانیاً، عرب کالاهای صادراتی باارزشی نداشت تا تجارت و درآمد اصیلی داشته باشد. ثالثاً، راههای تجارتی صادرات و واردات عرب بر اثر پیمان‌ها و شرایط مساعدی بود که در اواخر قرن پیش از بعثت، با همسایگان دور و نزدیک، انجام شد» (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۴، ص ۸۶).

در اینجا، نمونه‌ای دیگر از این باب را از نظر می‌گذرانیم که می‌نویسد: «علق» را بمعنای «خون بسته» گرفتن و تطبیق آن به یکی از اطوار جنین، نه سند محکم لغوی و نه علمی دارد. از این معنای متعارف و غیر مستند اگر بگذریم، شاید که علق در این آیه بمعنای جانور مخصوص «زالو» و کنایه یا مجاز از نخستین مبدأ متحرک و مؤثر حرکت و حیات «سلول نرینه: اسپر ماتوزئید» باشد که از جهت تشابه در تعلیق و شکل با این تعبیر بلیغ آمده تا شاید مردم عصرهای بعد آن را چنان‌که هست دریابند... با توجه به دوره‌ها و اطوار مشخصی که علم جنین‌شناسی با شکل‌ها و صورت‌های مشروح نشان می‌دهد، می‌توان به بیان رسا و تشبیه معجز‌آسای قرآن که از این دو طور مشخص جنینی، به «علقه- مضغه» تعبیر نموده، پی‌برد (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۴، صص ۱۷۹-۱۸۰).

او همچنین در جای دیگر، پس از ذکری از استعمالات افعال تسبیح در قرآن کریم می‌گوید: «... [با توجه به ارتباط تسبیح با سباح و شناگری] چنین برمی‌آید که حقیقت عمومی و مشترک تسبیح، حرکت و جوش و خروشی است که از درون ذرات و موجودات، رخ می‌نماید و هریک با نظم و پیوستگی در مسیر کمال و قدرت ربوبی پیش می‌روند. با اینگونه تسبیح

طبیعی و فطری، مسیح از یک سو خود را از نقص و آلودگی پاک می‌نماید، از سوی دیگر منشأ خیر و تربیت دیگران می‌گردد. مسیح هم پستی و نقص خود را درک می‌نماید و هم تنزه و جلال ربوبی را درمی‌یابد و مانند شناور، هرچه بیشتر تصمیم می‌گیرد و هر مانعی را با عزم خود، از سر راه برمی‌دارد و امواج را می‌شکافد تا از ربوبیتی به ربوبیت برتر و از هر کمالی به کمال بالاتر رسد (هم‌او، ج ۴، ص ۴). برای نمونه‌ای دیگر از دید جامع و نامحدود طالقانی نسبت به آیات و دلالات آنها، ر. ک. هم‌او، ج ۱، ص ۱۲۸).

۴-۴- توجه به آهنگ الفاظ قرآن کریم

به نظر می‌رسد آیت‌الله طالقانی اولین کسی باشد که در تفسیرنگاری فارسی به موضوع آهنگ الفاظ قرآن کریم، توجه کرده و ارتباط میان لفظ و معنای آن را خاطر نشان کرده باشد. او نیز مانند سید قطب در کتاب‌های «التصویر الفنی» و «فی ظلال القرآن»، نگاهی هنرمندانه به آیات قرآنی دارد و ابعاد هنری و نیز موسیقی آیات و سوره را مورد توجه قرار می‌دهد. طالقانی از آیه‌های ۴۹ و ۱۳۰ بقره، تحلیلی از دید خود ارائه می‌کند مبنی بر این که ترکیب حروف و حرکات این آیات، هماهنگی و تناسب با معنای آیات دارد (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، صص ۱۵۵ و ۳۱۲). سید قطب نیز ذیل آیه ۳۸ سوره توبه، تحلیلی در همین باب می‌آورد. البته تحلیل‌های سید قطب در این زمینه قوی‌تر است (نک. قطب، بی‌تا، ص ۷۶ و ۱۴۱۲، ج ۳، صص ۱۶۵۵ و نیز ر. ک. خوش‌منش، ۱۳۸۸، صص ۹۰-۹۱ و ۱۳۷۹، صص ۴۰-۴۲ و ۱۳۸۱، ص ۳/الراغب، ۱۳۸۷، صص ۵۱-۶۵).

۵- رهیافت‌هایی دیگر برای اصلاح انسجام اسلامی

آیت‌الله طالقانی از همان سنین جوانی، گم‌شده‌ای را در کتب فقه و اصول و ادبیات حوزوی می‌جسته است. به عقیده او، این دروس می‌بایست ثمره‌ای عملی داشته باشند که عبارت از انسجام سعادت دو دنیای امت است. وی در تفسیر خود، ذیل آیات مرتبط با موضوع قوام و انسجام جامعه اسلامی، بارها متعرض این موضوع می‌شود؛ چنانکه ذیل آیات ۲۳ و ۲۴ آل‌عمران، می‌نویسد:

«و چه بسا مردمی که با کتاب و نبوت، ناآشنا بودند که با احساس مسئولیت، با اصول کتاب هماهنگ و پیشتاز شدند و وابستگان به کتاب و اماندند و لگدکوب شدند. به وابستگان به اسلام اصیل و روح اسلام (طائفه امامیه) بنگریم: همانها که به امامت، ولایت، عدالت، انتظار و

قیام، عقیده دارند و پیوسته، به جویبار وحی و سرچشمه نبوت و در کناره‌های کوثرند. همه آموزش‌هایی هستند در جهت آگاهی، امیدبخشی، مبشر، محرک، پیشرو و پیشبر و ناسازگار با هر متکبر جبار. این حقایق زنده و عینی و حیاتی را با واقعیت کنونی: واخوردگی، یأس، رکود، زبونی، انزال از دنیای پرخروش، مقایسه کنید و سازشکاری‌ها!... اگر دزدان مجهز و مسلح به صندوقخانه و تختخواب و ته‌مانده اموال و شرف و ناموس ما دستبرد زنند، باز خوشحال و سرخوشیم که ولایت داریم، ولایتی که تخیلات شعری و شاعران حرفه‌ای و مداحان باجگیر و خانقاهیان، تعریف و توصیف می‌کنند! اگر کارد به استخوان رسید و احساس زبونی کردیم، با ذکر مصائب اهل بیت و طول غیبت، اشک می‌ریزیم و ندبه می‌کنیم تا هم عقده‌های خود را بگشاییم و هم با ثواب آن، جبران خسارت‌ها را کنیم تا با وجدان راحت، به بازار رویم و دلال و پادو مصرف کالاهای پس‌مانده دیگران باشیم و لقمه نانی به دست آریم و بس! نه مسئولیتی از کتاب و نه نسبت به اجتماع و نه نسل...» (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۶۸). رنج‌نامه‌ای دیگر از او را در اوضاع ملل موحد جهان، یهود، نصارا و مسلمانان، ذیل آیات آل‌عمران هنگام بیان سرگذشت قوم یهود می‌بینیم (هم‌او، ج ۳، ص ۲۰۹).

توجه طالقانی به موضوع انسجام امت و اجتماع، شامل بخش‌های مختلفی است که نمونه‌هایی شاخص از آنها در اینجا می‌آیند. یکی از این موارد مسأله اقتصاد است. انقلاب صنعتی سال ۱۶۴۰ م، کشور بریتانیا و پس از آن، اروپا را دچار دگرگونی‌هایی عمیق ساخت و رقابت‌های سنگینی را میان کشورهای استعمارگر اروپایی در قرن هیجدهم و نوزدهم و سپس میان بلوک شرق و غرب در قرن بیستم رقم زد. اساس استعمارگری و اساس رقابت‌های شرق و غرب هردو به مسأله «اقتصاد» برمی‌گشت و می‌دانیم که دستگاه فکری بلوک شرق، اقتصاد را محملی تئوریک برای انواع برنامه‌های ویرانگر خود ساخته بود. رقابت‌های مورد اشاره، سرزمین‌های پهناوری از جمله سرزمین‌های اسلامی را در چنبره خود گرفت و تأثیرات مخربی را در نظر مردم «جهان سوم» بر تعادل طبیعی، اقتصادی و سیاسی این کشورها بر جای نهاد و موضوع اقتصاد در هریک از اردوگاه‌های سیاسی غرب و شرق، به پدیده‌ای ترسناک با عقبه‌ها و عواقب پیچیده بر مناسبات اقتصادی، سیاسی و فکری و فرهنگی این کشورها تبدیل شد. شرایط خاص کشورهای مختلف جهان و از جمله ایران، زمینه‌های گرایش جوانان به شعارها و تبلیغات «چپ» و سپس گریز از ریشه‌های دینی و قومی را هموار کرده بود.

در نگاهی کلی تر و با بازگشتی به عقب، می توان گفت که توجه به این موضوع از مقطع آغاز بیداری اسلامی در سخنان برخی از داعیان آینده نگر مشهود است. سید جمال به این موضوع توجهی قوی و عملی نشان داد. در دو تفسیر «المنار» و «فی ظلال القرآن» که پس از مقطع مزبور شکل گرفت، التفات به این موضوع دیده می شود؛ سید قطب خود درباره آیات اقتصادی قرآن، بحث مستقلی را نگاشت که به فارسی ترجمه شده است.^۱ شهید مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی هریک به سهم و با روش خود، در این باره گفتند و نوشتند و بی توجهی دستگاه دینی به این جنبه را نقد کردند. در عراق نیز شهید سید محمدباقر صدر به این موضوع توجهی جدی نشان داد و کتاب «اقتصادنا»ی او، هنوز در این زمینه معروف است. باری، انبیا به این موضوع بنفس خود، جنبه مهم دیگری در کارنامه فکری و علمی طالقانی است. او در تفسیر، به مناسبت های مختلف از آراء و نظریات اقتصاددانان و دانشمندان مشهور اقتصاد، نظیر پل آنتونی ساموئل سن (Paul Anthony Samuelson) و یالمار شاخت (Hajmlar Schacht) سخن گفته (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ۲۶۳-۲۶۴، ج ۳، ص ۲۹۹) یا از مناسبات اقتصاد جهانی ذیل پاره ای آیات سخن به میان آورده است (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۳۰۶، ج ۲، صص ۲۵۲-۲۵۵ و ر. ک. پی نوشت ش ۵).

او جدا از اهتمام بلیغی که به این موضوع در تفسیر پرتوی از قرآن دارد، دست به نگارش کتاب «مالکیت از نظر اسلام و مقایسه آن با سیستم های اقتصادی غرب» نیز زد که حاوی دیدگاه ها و استنادات متعدد قرآنی اوست (طالقانی بی تا «ب»، صص ۱۰۰، ۱۵۳، ۲۴۷، ۳۴۲، ۳۴۳ و...). وی گاهی در تفسیر پرتوی از قرآن، به این کتاب و یا کتاب «کار و سرمایه» ارجاع داده است (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۷۵ و ج ۴، ص ۷۲).

توجه طالقانی به قضایایی مانند حج به عنوان بزرگ ترین فریضه اجتماعی اسلام که مورد توجه پیامبران الهی و حضرات ائمه و داعیان بیداری و انسجام اسلامی بوده نیز محل توجه است. داعیان بیداری اسلامی از سیدجمال و کواکبی گرفته تا دیگران به ظرفیت های بزرگ این فریضه و به کانون برگزاری آن، ام القرای جهان اسلام، توجه خاصی نشان می دادند (درباره نگاه و اهتمام داعیان بیداری اسلامی دو قرن اخیر، ر. ک. موثقی، ۱۳۸۰، صص ۲۱۳-۲۱۵ / عارف، ۱۴۲۳، ص ۲۲۴).

۱. قطب، مقابله اسلام با سرمایه داری و تفسیر آیات ربا، ترجمه: سیدمحمد رادمنش، تهران: بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰ ش.

طالقانی که از اهمیت حج و ظرفیت‌های آن، بخوبی آگاه است و ضمن بحث در آیات حج از سوره بقره و نیز اشاراتی که به این فریضه مهم در برخی سوره‌ها، نظیر سوره‌های فیل و قریش، وجود دارد، به این موضوع توجه خاصی نشان می‌دهد و نقش حج را در انسجام جامعه اسلامی و قوام امر امت مورد تأکید قرار می‌دهد (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۱۰۱). همچنین، برای تحلیل‌های قرآنی او، ر. ک. طالقانی، ۱۳۶۰، صص ۸-۲۷ و بی تا، «ها»، صص ۳-۱۵). همچنین، از این که فریضه عظیم و جهانی حج در «تورات کنونی»، به گونه‌ای بی‌فروغ، انعکاس یافته شکوه و انتقاد می‌کند (هم‌او، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۳۰). توجه و حتی نگاهی جدید به موضوع «قصاص» از دیگر نکات قابل ذکر در تفسیر طالقانی و نمونه نگاه اجتماعی او به آیات قرآن است (ر. ک. طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، صص ۵۵ و ۵۹؛ ج ۶، ص ۱۱۱).

نتیجه‌گیری

نهضت اسلامی ایران در میان تاریخ نهضت‌های اصلاحی، برخوردار از صبغه فکری و فرهنگی قوی و رجالی ارزنده است. یکی از شخصیت‌های این نهضت و رجال اثرگذار ایران قرن بیستم، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی است. او در برهه‌ای حساس از تاریخ اسلام و ایران، می‌زیسته و با حساسیت بالا، اوضاع جامعه و جهان آن عصر را با امکانات محدود خود، بررسی کرده و کوشیده است قلم ناصح امین خودش را در بازتاب‌دادن دردهای زمان خویش به‌کارگیرد. بسیاری از تراوش‌های قلم خالص او هنوز هم تازگی خاص خود را دارد. از اهم مواردی که طالقانی به عنوان کار قرآنی برای نیل به اصلاح و انسجام جامعه اسلامی مد نظر قرار داده، می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

- ۱) قرآن کریم، یک منبع اصیل فکری و فرهنگی است و در زمان وقوع فتنه‌هایی که آفاق جهان و از جمله اسلام را فرا می‌گیرد، باید بدان پناه برد؛
- ۲) قرآن را باید به عنوان یک متن منظم و منسجم، در نظر گرفت و مورد توجه قرار داد.
- ۳) نگاه به قرآن باید از نوع نگاهی باشد که امروزه در لون تفسیر اجتماعی، طبقه‌بندی می‌شود: نگاه به قرآنی که مربوط به موزه اندیشه نیست؛ بلکه برای مشکلات زمانه راه حل دارد و در بستر زمان، جاری و حتی جلوتر از آن، در حرکت است و سخن آن، جامع و نامحدود و تعالیمش سرزنده و همگام با فطرت انسان و جهان است. این کتاب آسمانی بیانی هنرمندانه دارد و نگاه به آن نیز باید هنرمندانه باشد.

۴) نسبت به مشهورات و مکرراتی به سان ابر تیره، جلوی آفتاب قرآن را گرفته‌اند، تعهدی نباید داشت و حتی باید در جهت زدودن آنها اقدام کرد.

۵) اصلاح و انسجام یک جامعه در گرو داشتن اقتصادی سالم و نیز ارتباطات منظم جهانی است. قرآن کریم ذیل آیات فراوانی، اقتصاد سالم و نیز فریضه جهانی حج را مورد توجه قرار می‌دهد.

در پایان ذکر این نکته لازم است که تفسیر پرتوی از قرآن به سان هر اثر بشری دیگر، خالی از موارد قابل نقد و تأمل نیست که باید به آن نیز در جای خود پرداخته شود؛ اما جا دارد اهل دانش و تحقیق عنایت و انتباه خود را از این جهد قرآنی و علمی و تحلیل و تکمیل آن، برنگیرند و بی‌اطلاعی خیل جوانان مشتاق را از این منبع ارزشمند شناخت و تحلیل و تدبیر قرآنی مپسندند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در عین حال، تحقیقات متعدّد و معتبرتری نیز وجود دارد که به توقیفی بودن جمع قرآن تصریح می‌کنند. (نگاه. موسوی خویی، بی‌تا، صص ۲۵۰ به بعد / حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۶، صص ۱۹، ۲۶، ۲۸، ۵۸ و ۶۰. آیت‌الله حسن‌زاده از آنچه در کتاب آورده، به عنوان «اصل قویم: اصلی که قوام و دوام دیگر اصول بدان است» یاد می‌کند. ایشان در این کتاب، همچنین از توقیفی بودن رسم المصحف سخن می‌گوید / مرعشی نجفی، ۱۳۸۲، صص ۲۴، ۳۰، ۳۲، ۴۱ / صبحی صالح، ۱۳۶۱، صص ۱۱۴-۱۱۵، ۱۱۹ / العطار، ۱۳۹۹، صص ۱۷ و ۲۷ / عبدالصبور شاهین، ۱۳۸۲، ص ۳۹ / الصابونی، ۱۳۹۰، ص ۴۵ / میرمحمدی زرنندی، ۱۳۷۷، صص ۱۰۷ و ۱۲۰ / خامه‌گر، ۱۳۸۲، ص ۷۲ / جلالی نایینی، ۱۳۸۷، صص ۱۲۸-۱۲۹).

۲. بخش‌های عمده‌ای از پژوهش‌های غربیان در سده‌های پیشین مبتنی بر تشکیک در اصالت و سندیت قرآن بود. این امر در سده‌های بعدی جای خود را به این رویکرد و ادعا سپرده که قرآن کریم یک «متن مقدّس» است، اما متنی از هم‌گسسته و گسیخته و فاقد نظم و انسجام.

۳. این، کاری است که محمّدعزت دروزه تا حدودی در کتاب خود، «القرآن المجید» انجام داده و بخشی از این کتاب توسط استاد محمدعلی لسانی فشارکی، به فارسی درآمده است (ر. ک. دروزه، ۱۳۹۱، فصل سوم: دلایل و شواهد قرآنی، صص ۶۸-۹۵). ضرورت بازگشت به قرآن کریم منحصر به موضوع بررسی جمع و تدوین این کتاب الهی نیست؛ بلکه در زمینه‌های دیگر هم این ضرورت شدید حس می‌شود و جا دارد که آغاز این بازگشت از همین موضوع شناخت قرآن و شاخه‌های مختلف علوم قرآن، نظیر «محکم و متشابه»، «ناسخ و منسوخ»، «منطق و روش تفسیر قرآن» و موارد مشابه باشد و پس از آن، زمینه‌های دیگر و تحقیقات بین‌رشته‌ای را در برگیرد.

۴. طالقانی در یکی از سخنرانی‌های خود گفته است: مسائل و حقایق قرآن در ضمن حرکت، برای انسان تبیین می‌شود، نه نشستن یک گوشه‌ای و این تفسیر و آن تفسیر و این بیان و آن بیان، این اظهار نظر را دیدن و آنها را جمع کردن (طالقانی، بی تا «الف»، ص ۱۲). سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز پیش از او می‌گوید: انبوه تفاسیری که محدثان و فقها و متکلمان و فلاسفه و ادبا و متصوفه بر قرآن کریم نوشتند، داد سخن را ندادند و گره از کار فروبسته‌امّت نگشودند. کتابخانه آرامگاه علوم است و علم زنده، بلکه قرآن واقعی و زنده، تنها آن چیزی است که از دل و زبان مردم زنده درمی‌آید و در دل مردم زنده‌دل و عامل به آن قرار می‌گیرد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۷، صص ۱۷۶ و ۲۰۸).

۵. بدیهی است آنچه داعیان بیداری اسلامی در این باب گفته‌اند، گام‌هایی آغازین در این راه است و امّت اسلامی تا مرحله برخورداری از اقتصادی قوی و منسجم و پاک، آنگونه که قرآن کریم تبیین می‌کند، راهی طولانی در پیش دارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. اسکندروف، آ.، ای. ژوکف و ل. استپانف؛ جهان سوم با دشواریها و دورنماهایش؛ ترجمه: فرید، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲.
۲. الهی، همایون؛ امپریالیسم و عقب ماندگی؛ قومس، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۳. آلم، ژان پیر؛ جاسوسی و ضد جاسوسی؛ مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش.
۴. بسته‌نگار، محمد؛ یادنامه ابوذر زمان؛ مجموعه مقالات، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰ ش.
۵. بلاشر؛ رئیس؛ در آستانه‌ی قرآن؛ ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۶. (شهید) بهشتی، سیدمحمد، (مصاحبه با سیدمحمد حسینی بهشتی)؛ ویژه‌نامه روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت اولین سالگرد رحلت آیت الله سید محمود طالقانی؛ ۱۳۵۹/۶/۱۹ ش.
۷. پلیتسر، زرژ، اصول مقدماتی فلسفه، ترجمه: جهانگیر افکاری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴ ش.
۸. پنکوفسکی، اولگ؛ یادداشت‌های پنکوفسکی؛ به اهتمام فردین بهپور، ترجمه: علی‌اکبر بهپور، تهران: رسا، ۱۳۷۲ ش.
۹. بیرن، ژاک؛ جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر؛ ترجمه رضا مشایخی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
۱۰. جان‌زاده، علی (به‌اهتمام)، طالقانی؛ تهران: همگام، ۱۳۵۸ ش.
۱۱. جعفریان، رسول؛ جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ (از روی کارآمدن محمد رضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)؛ ج ۶ (با اصلاحات و افزوده‌ها)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. جلالی نائینی، محمد رضا؛ تاریخ جمع قرآن کریم؛ مقدمه احمد مهدوی دامغانی، چاپ دوم، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. حسن‌زاده آملی، حسن؛ قرآن هرگز تحریف نشده؛ ترجمه کتاب فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب، با تعلیقات علامه میرزا ابوالحسن شعرانی، مترجم: عبد العلی محمدی شاهرودی، ج ۳، قم: نشر قیام، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. خامه‌گر، محمد؛ ساختار هندسی سوره‌های قرآن؛ تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، قم: بی تا.
۱۷. خوش‌منش، ابوالفضل؛ حمل قرآن - پژوهشی در روش‌شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. _____ «جستارهایی در زمینه نظام‌نگ قرآن کریم»؛ بینات، ش ۲۰، زمستان ۱۳۷۷ و ش ۲۵، بهار ۱۳۷۹ و ش ۳۳، بهار ۱۳۸۱ ش.

تفسیر پرتویی از قرآن به مثابه یکی از سرخط‌های اصلاح‌گفتمان دینی و انسجام اسلامی ۳۱

۱۹. —: بیداری و بین‌الملل اسلامی با مروری بر نقش داعیان قرآنی در دو سده اخیر؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. دروزه، محمد عزة؛ تاریخ قرآن: درسنامه، پژوهشنامه، نظریه‌پردازی؛ ترجمه: محمدعلی لسانی فشارکی، قم: زینی، ۱۳۹۱ ش.
۲۱. دعایی، سید محمود (مصاحبه): «بوذر زمان - شاهد یاران - یادمان آیت‌الله طالقانی»؛ بنیاد امور ایثارگران و جانبازان، دوره جدید، ش ۲۲، شهریور ۱۳۸۶ ش.
۲۲. الراغب، عبدالسلام احمد؛ کارکرد تصویر هنری در قرآن؛ ترجمه: حسن سیدی، تهران: سخن، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. شاهین، عبدالصبور؛ تاریخ القرآن؛ ترجمه: حسن سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.
۲۴. شیرخانی، علی؛ بحثی در اندیشه سیاسی آیت‌الله طالقانی؛ شورا و آزادی، تهران: آفتاب سبا، ۱۳۸۱ ش.
۲۵. الصابونی، محمدعلی؛ التبیان فی علوم القرآن؛ کلیة الشریعة و الدراسات الاسلامیة، مکه مکرمه، ۱۳۹۰ ق.
۲۶. صبحی صالح؛ مباحثی در علوم قرآن؛ ترجمه: محمدعلی لسانی فشارکی، تهران: بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۲۷. طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۰ ش.
۲۸. —: حج؛ تهران: ناس، ۱۳۶۰ ش.
۲۹. —: دو شهید؛ تهران: ناس، بی تا «الف».
۳۰. —: مالکیت از نظر اسلام و مقایسه آن با نظام‌های اقتصادی غرب؛ تهران: ناس، بی تا «ب».
۳۱. —: توحید از نظر اسلام به ضمیمه طبایع استبداد کواکبی و کواکبی و مؤتمر اسلامی؛ تهران: پیام آزادی، بی تا «ج».
۳۲. —: از تاریخ پیام‌وریم؛ تهران: ناس، بی تا «د».
۳۳. —: ابراهیم؛ بی جا: بی تا «ه».
۳۴. —: خطبه‌های نماز؛ تهران: ناس، بی تا «و».
۳۵. طبری، احسان؛ آموزش فلسفه علمی؛ بی جا: دریا، ۱۳۵۷ ش.
۳۶. عارف، محمد نصر؛ فی مصادر التراث السیاسی الاسلامی - دراسة فی اشکالیة التعمیم قبل الاستقرار و التأصیل؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۳ ق.
۳۷. العطّار، داود؛ موجز علوم القرآن؛ کویت: بی تا، ۱۳۹۹ ق.
۳۸. عبدالناصر، جمال؛ دو سخنرانی از رئیس‌جمهور عبدالناصر؛ تهران: سفارت جمهوری مصر در تهران، ۱۳۴۶ ق.
۳۹. غزالی مصری، محمد؛ محاکمه گلدزیه‌ر صهیونیست؛ ترجمه صدر بلاغی، تهران: حسینیه ارشاد، ۱۳۶۳ ش.
۴۰. قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۴۱. —: التصویر الفتنی فی القرآن؛ قاهره: دارالمعارف، بی تا.

۴۲. _____؛ مقایسه اسلام با سرمایه‌داری و تفسیر آیات ربا؛ ترجمه: سیدمحمد رادمنش، تهران: بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶ ش.
۴۳. کسار، جواد علی؛ فهم القرآن - دراسة شاملة في رؤى الامام الخميني المنهجية في فهم و تفسیر القرآن؛ بیروت: مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی، ۲۰۰۸ م.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الاصول من الکافی؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، بی‌جا: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۴۵. مدرسی چهاردهی، سید مرتضی؛ سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او؛ ج ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷ ش.
۴۶. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین؛ القول الفاصل في الرد على مدعی التحریف؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۸۲ ش.
۴۷. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر و المفسرون في ثوبه القشيب؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق.
۴۸. موثقی، سیداحمد، سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ مصلحی متفکر و سیاستمدار؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۴۹. موسی‌الحسینی، إسحاق؛ اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر؛ ترجمه: سیدهادی خسروشاهی، اطلاعات، ۱۳۷۲ ش.
۵۰. موسی، عائدة العزب؛ العبودية في افريقيا؛ قاهره: مكتبة الشروق الدولية، ۱۴۲۴ ق.
۵۱. مهدوی کنی، محمدرضا (مصاحبه با آیت‌الله مهدوی کنی)؛ ویژه‌نامه مصور روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت اولین سالگرد رحلت آیت‌الله سید محمود طالقانی؛ ۱۳۵۹/۶/۱۹ ش.
۵۲. میرزایی، نجف‌علی؛ فلسفه مرجعیت القرآن المعرفية في انتاج المعرفة الدينية؛ ترجمه: دلال عباس، بیروت: مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی، ۲۰۰۸ م.
۵۳. میرمحمدی زرنندی، سیدابوالفضل؛ تاریخ و علوم قرآن؛ ج ۱۱، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۵۴. نکرومه، قوام؛ مبارزه طبقاتی در آفریقا؛ ترجمه: «مجتبی»، تهران: شناخت، بی‌تا.
۵۵. _____؛ روزهای سیاه غنا؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۵۰.
۵۶. نوری، مسعود؛ زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله سیدحسن مدرس؛ تهران: پرستو، ۱۳۶۱ ش.
57. Abel, Armand, *Le Coran*, Office de Publicités, S. A. , Editeurs, Bruxelles, 1951.
58. Blachère, Régis, *Introduction au Coran*, Maisonneuve et Larose, Paris, 1966 (A).
59. _____, *Le Coran, Traduit de l'Arabe*, G. P. Maisonneuve et Larose, Paris, 1966 (B).
60. . De Prémare, Alfred-Louis, *Aux origines du Coran – Questions d'Hier, Approches d'Aujourd'hui*, Faucher, Jean-André, *La Ciquième République-Les Dieux ont bu*, Galic, Paris, 1962.
61. M. Gaustave Weil, *Mohammed der Prophet*, G. P. Maisonneuve et larose, Paris, 1966.
62. Muir, William, *The life of Mahomet*, Fontana Paperback, London, 1980.